

به نام خدا

مهدی فقهی

۴۰۱۷۲۲۱۳۶

هومورک شماره پنج درس یادگیری ماشین

بخش اول :

طبقه بندی ییزی یک روش احتمالی برای طبقه بندی اشیا به یکی از چندین کلاس بر اساس مقادیر مجموعه ای از ویژگی های ورودی است. این روش بر اساس قضیه بیز است، که بیان می کند که احتمال یک فرضیه (در این مورد، یک برجسب کلاس) با توجه به برخی شواهد مشاهده شده (در این مورد، ویژگی های ورودی) با احتمال شواهد ارائه شده به فرضیه متناسب است با ضرب در احتمال قبلی فرضیه. طبقه بندی ییزی در طیف گسترده ای از کاربردها از جمله تشخیص پزشکی، تشخیص تقلب و تشخیص عیب استفاده می شود.

مجموعه داده ما: Steel Plates Faults Data Set

ابتدا دیتاست مربوطه را load کردم و بعد از بررسی دادگان آن را به دو دسته آموزش و تست تقسیم کردم ، سپس دادگان آموزش را نرمال کردم و بر حسب پارامترهای بدست آمده از دادگان آموزش، به کمک تابع transform دادگان تست را نیز نرمالیز کردم .

```
# select only the columns containing input features
X_train_features = train_df.iloc[:, :len(input_feature_columns)]

# normalize the input features
scaler = StandardScaler()
model_transform = scaler.fit(X_train_features)
train_features_normalized = model_transform.transform(X_train_features)

# convert the numpy array of normalized features back into a pandas dataframe
train_features_normalized = pd.DataFrame(train_features_normalized, columns=input_feature_columns)

# combine the input features with other columns in the original training dataframe
# train_normalized = pd.concat([train_features_normalized, train_df.iloc[:, len(input_feature_columns):]], axis=1)

train_normalized = train_features_normalized

# assume 'df_test' is your input feature DataFrame
test_features = test_df.iloc[:, :len(input_feature_columns)]
test_features_normalized = model_transform.transform(test_features)
test_features_normalized = pd.DataFrame(test_features_normalized, columns=input_feature_columns)

# combine the input features with other columns in the original training dataframe
test_normalized = test_features_normalized
```

بعد از انجام این کار سراغ پیاده سازی الگوریتم بیز رفتیم .
از آنجا که دادگان ما در این قسمت پیوسته بود به شکل زیر عمل کردم :

برای پیاده سازی شبکه بیز براساس داده های پیوسته نیاز داریم که بجای شمارش اتفاق افتادن یک ویژگی در یک برچسب مشخص و پیدا کردن احتمالات آن ، از داده های هر ویژگی یک منحنی نرمال بر حسب واریانس و میانگین بسازیم سپس احتمال هر عدد را بر اساس احتمالی که در این منحنی نرمال می گیرد بدست می آوریم البته به ازای هر کدام از برچسب ها برای هر متغیر یک منحنی نرمال می سازیم و به ازای هر برچسب از منحنی نرمال همان متغیر استفاده می کنیم در نهایت با ضرب این احتمال ها بر احساس قضیه مارکوف و بزرگی بدست آمده برچسب را پیدا می کنیم . از آنجایی که ممکن بود عدد ما خیلی کوچک شود به جای ضرب از لگاریتم احتمال و جمع لگاریتم ها استفاده کردیم که همان معنا را می دهد همچنین برای اسنوت کرد احتمالات از یک آلفا استفاده می کنیم که در بدترین حالت ها نیز برای یک عدد پیوسته متغیر ما احتمالی را در نظر بگیرد .

```

class MehNaiveBayes_on:
    def __init__(self, alpha=1):
        self.alpha = alpha

    def fit(self, vectors_feature, y_train, list_label):
        n_samples, n_features = vectors_feature.shape
        self.classes = np.unique(list_label)
        n_classes = len(self.classes)
        self.mean = np.zeros((n_classes, n_features))
        self.var = np.zeros((n_classes, n_features))
        self.priors = np.zeros(n_classes)

        for i, c in enumerate(self.classes):
            X_c = vectors_feature[y_train == c]
            self.mean[i] = X_c.mean(axis=0)
            self.var[i] = X_c.var(axis=0) + self.alpha # Laplace smoothing
            self.priors[i] = X_c.shape[0] / float(n_samples)

    def predict(self, vectors_feature, name_pos, name_neg):
        y_pred = []
        for vect in vectors_feature:
            pos_prob = np.log(self.priors[0])
            neg_prob = np.log(self.priors[1])
            for i in range(vectors_feature.shape[1]):
                x = vect[i]
                if x != 0:
                    pos_prob += np.log(self._pdf(x, self.mean[0][i], self.var[0][i]))
                    neg_prob += np.log(self._pdf(x, self.mean[1][i], self.var[1][i]))
            if pos_prob > neg_prob:
                y_pred.append(name_pos)
            else:
                y_pred.append(name_neg)
        return y_pred

    def _pdf(self, x, mean, var):
        numerator = np.exp(- (x - mean) ** 2 / (2 * var))
        denominator = np.sqrt(2 * np.pi * var)
        return numerator / denominator

```

برای پیدا کردن بهترین میزان لاپلاس بعد از پیاده سازی بالا، به ازای هر کدام از مقادیر لاپلاس دقت را حساب کردیم تا به بهترین میزان آن برای دادگان خود به عنوان یک هایپر پارامتر برسیم .

```
list_of_alfa = [0.1,0.2,0.3,0.4,0.5,0.6,0.7,0.8,0.9,1]

for item in list_of_alfa:
    naive_beyes = MehNaiveBayes_on(item)
    naive_beyes.fit(x_train, y_train,[1,2])
    y_pred = naive_beyes.predict(x_test,1,2)
    score1 = Me_Calcu_Accuracy.accuracy_score(y_test,y_pred)
    print(score1)
```

```
0.9948586118251928
0.9768637532133676
0.8997429305912596
0.8123393316195373
0.7892030848329049
0.781491002570694
0.7686375321336761
0.7506426735218509
0.7249357326478149
0.6940874035989717
```

همانطور که مشاهده می فرمایید بهترین میزان آن به ازای 0.1 بدست آمده است حال بقیه معیارها را نیز برحسب این میزان بدست می آوریم :

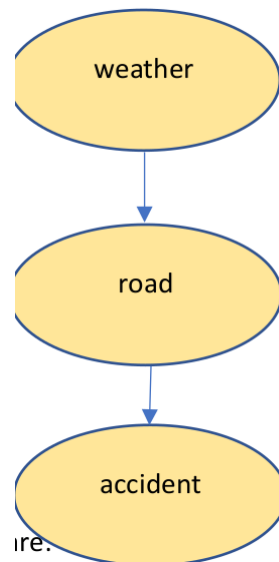
```
precision : 0.9919354838709677
```

```
recall : 1.0
```

```
f1_measure L 0.995951417004048!
```

```
confusion matrix :      [141, 0]
                    [2, 246]
```

بخش دوم :



می‌دانیم که به صورت گرافی احتمالات ما به شکل بالا نشان داده می‌شوند برای پیدا کردن هر کدام از احتمالات خواسته شده برای این بخش از کتابخانه pgmpy استفاده کردم .
ابتدا براساس شرایط گفته شده مدل بیز خود را تعریف کردم :

```
# Defining the Bayesian Model Structure
model = BayesianModel([('Weather', 'Road'), ('Road', 'Accident')])

cpd_weather = TabularCPD(variable='Weather', variable_card=2, values=[[0.7], [0.3]])
cpd_road = TabularCPD(variable='Road', variable_card=2,
                      values=[[0.9, 0.6], [0.1, 0.4]],
                      evidence=['Weather'], evidence_card=[2])
cpd_accident = TabularCPD(variable='Accident', variable_card=2,
                          values=[[0.95, 0.25], [0.05, 0.75]],
                          evidence=['Road'], evidence_card=[2])

# Associating the CPDs with the network structure
model.add_cpds(cpd_weather, cpd_road, cpd_accident)
```

سپس به شکل زیر خواست سوال را برآورده کردم :

```
# Task 1: Calculate the probability of a car accident when the weather is sunny and the road
# is dry.
from pgmpy.inference import VariableElimination

# Create an inference object
infer = VariableElimination(model)

# Compute P(Accident | Road=dry, Weather=sunny)
q = infer.query(['Accident'], evidence={'Road':0 , 'Weather': 0})
print(q)
```

حاصل کوئری بالا برابر است با :

Accident	phi(Accident)
Accident(0)	0.9500
Accident(1)	0.0500

که در صورت برقرار بودن شرایط بالا اعلام می کند که احتمال تصادف برابر با 0.05 می باشد .

```
# Task 2: Calculate the probability of a car accident when the weather is rainy and the road
# is wet.

# Compute P(Accident | Road=wet, Weather=rainy)
q = infer.query(['Accident'], evidence={'Road':1 , 'Weather': 1})
print(q)
```

Accident	phi(Accident)
Accident(0)	0.2500
Accident(1)	0.7500

در اینجا نیز با برقرار شرایط بارانی بودن و خیس بودن جاده احتمال تصادف برابر با 0.75 درصد است .

```
# Task 3: Calculate the conditional probability distribution of Accident given Weather=rainy.

q = infer.query(['Accident'], evidence={'Weather': 1})
print(q)
```

Accident	phi(Accident)
Accident(0)	0.6700
Accident(1)	0.3300

در صورتی که هوا بارانی باشد نیز احتمال تصادف برابر با 0.33 درصد است .

بخش سوم :

ابتدا بر اساس سرعت ثابت و مکان اولیه ground truth را محاسبه می کنیم .

```
#lets calculate ground truth
GT = []
x = x0
for i in range(100): #lets calculate it for 100 intervals.
    v0 = v0
    x = x + dt*v0
    GT.append(x)
```

سپس بر اساس نویز نرمال بر حسب واریانس و میانگین گفته شده مقداری که سنسور اعلام می کند را محاسبه می کنیم .

```
#in this func, with mean = mu and variance of sd
def noise(mu,sd):
    n = np.random.normal(mu,sd)
    return n
```

```
) #lets calculate sensor loacations
SL = []
x = x0
v = v0
SV = [] #sensor recorded velocity
SV.append(30)
for i in range(100):
    x_t_1 = x
    x = x + dt*v0 + noise(mu,sd) #here we add random noise to it
    SL.append(x)
    v = (x - x_t_1)/dt
    SV.append(v)
```

حال از kelman filter برای تخمین بر حسب مشاهدات سنسور استفاده می کنیم.

```

from pykalman import KalmanFilter

T = 100    # number of time steps
time = np.arange(T) * dt

# Initialize the Kalman filter
kf = KalmanFilter(
    initial_state_mean = [0, v0],
    initial_state_covariance = np.eye(2),
    transition_matrices = [[1, dt], [0, 1]],
    observation_matrices = [[1, 0]],
    observation_covariance = sd**2,
    transition_covariance = np.zeros((2,2)),
)

# Perform the Kalman filtering
(filtered_state_means, filtered_state_covariances) = kf.filter(SL)

# Extract the estimated position from the filtered state means
estimated_position = filtered_state_means[:,0]

```

همانطور که می بینیم kalman filter یک initial state می گیرد که با توجه به اطلاعات اولیه که در نقطه صفر داریم می دانیم از نقطه صفر شروع به حرکت کرده است با سرعت ثابت v_0 سپس چون ما مکان اولیه و سرعت اولیه را می دانیم پس $initail$ state covariance ما برابر با $[1,1]$ هست که یعنی در شروع ما هیچ نویزی نداریم .
 x_n نشان دهنده مکان قطار در زمان n است. سرعت قطار به عنوان نرخ تغییر دامنه با توجه به زمان تعریف میشود، بنابراین سرعت مشتق از مکان است:

$$\dot{x} = v = \frac{dx}{dt}$$

به صورت کلی میتوان گفت که معادله نیوتن برای بدست آوردن مکان بر اساس سرعت و شتاب به صورت زیر تعریف میشود :

$$X_t = \frac{1}{2} dt^2 a_{t-1} + V_{t-1} dt + X_{t-1}$$

در فرمول فوق a همان شتاب است و V نیز همان سرعت است، حال در مسئله ما سرعت را ثابت در نظر گرفته ایم ،لذا مقدار شتاب برابر با 0 خواهد بود و در نهایت به دو رابطه زیر میرسیم :

$$X_t = V_{t-1} dt + X_{t-1}$$

$$V_t = V_{t-1}$$

حال نیاز داریم که این روابط را در قالب ضرب هایماتریسی بدست آوریم، طبق بیان مسئله هر حالت (وضعیت) ما شامل یک جفت از مکان و سرعت میباشد که میتوانیم با در نظر گرفتن $X = x$ و $V = \dot{x}$ خواهیم داشت :

$$\begin{bmatrix} x \\ \dot{x} \end{bmatrix} = f \begin{bmatrix} x \\ \dot{x} \end{bmatrix}$$

که قرار است از مکان و سرعت قبلی به مکان و سرعت جدید برویم، حال باید ماتریس F را به نحوی تعریف کنیم که دو رابطه قبلی را با آنها بدست آوریم، لذا خواهیم داشت :

$$f = \begin{bmatrix} 1 & dt \\ 0 & 1 \end{bmatrix}$$

چرا که با ضرب این ماتریس در بردار مکان - سرعت به همان روابط فیزیک اولیه می‌رسیم

$$fx = \begin{bmatrix} 1 & dt \\ 0 & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} x \\ \dot{x} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 1 \times x + dt \times \dot{x} \\ 0 \times x + 1 \times \dot{x} \end{bmatrix}$$

در ادامه نیاز به بدست آوردن مقدار اندازه گیری سنسور داریم، از آنجا که سنسور صرفاً مکان را اندازه می‌گیرد، ما باید از رابطه زیر استفاده کنیم و در آن رابطه H را به نحوی تعریف کنیم که صرفاً مقدار مکان را بدست آورد و مقدار سرعت را بدست نیاورد پس خواهیم داشت :

$$z = Hx$$

$$H = [1, 0]$$

پس بر همین اساس :

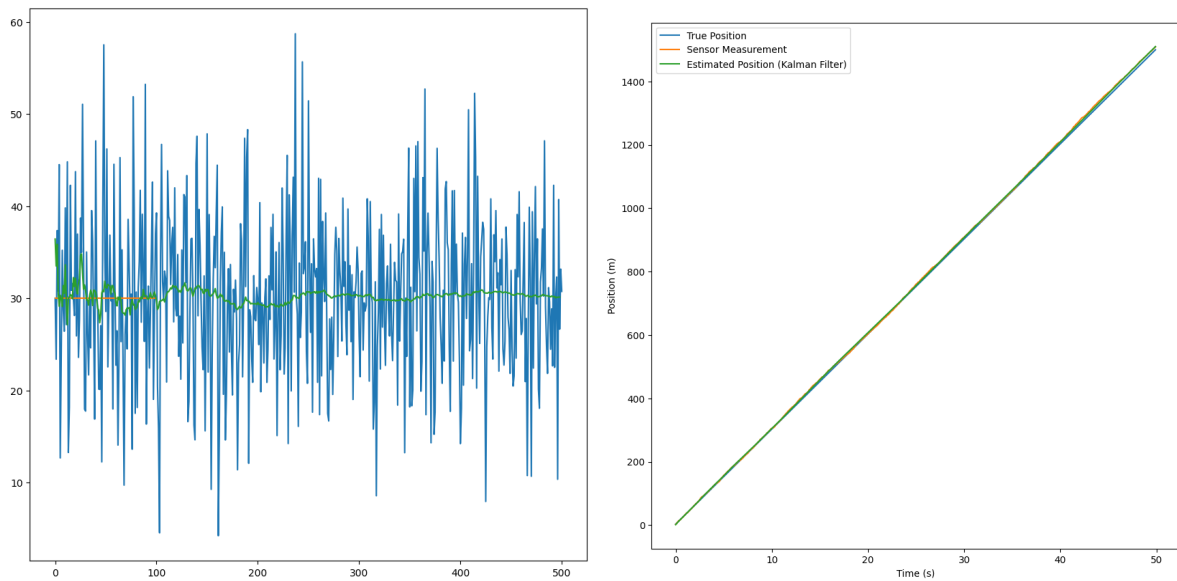
```
transition_matrices = [[1, dt], [0, 1]],
observation_matrices = [[1, 0]],
```

نویز انتقال وضعیت در مسئله ما، مقدار نویزی از این بابت نداریم، چرا که با وجود سرعت ثابت و روابط دقیق نیوتن، می‌توانیم بدون وجود نویز مقادیر بعدی را بدست آوریم، لذا این ماتریس را به صورت زیر تعریف می‌کنیم :

$$\Sigma_x = \begin{bmatrix} 0 & 0 \\ 0 & 0 \end{bmatrix}$$

پس خواهیم داشت :

```
observation_covariance = np.zeros((2,2)),
transition_covariance = np.zeros((2,2))
```



در بالا نمودار تخمین مکان با نویز و بدون نویز و نتیجه حاصل از فیلتر و همچنین تخمین سرعت را در چپ بر حسب مکان می بینید .

v_0 (سرعت)	sd (انحراف معیار)	mse without filter	mse with filter
30	0.1	0.53	0.78
30	0.3	0.72	1.05
30	0.6	5.3	7.6
30	0.9	13.46	21.14
60	0.1	0.2	0.21
60	0.3	2	5.7
60	0.6	4	12
60	0.9	10	19
90	0.1	0.33	0.44
90	0.3	0.47	0.86
90	0.6	4.2	9.8
90	0.9	28.56	30.2

باتوجه به محاسبات فوقی که انجام دادیم به این نتیجه می‌رسیم که سرعت اولیه ثابت ما آنقدر تاثیر ندارد و احتمالا تفاوت در مقدار نوسانات ما به علت وجود مقدار نویز های تصادفی باشد، ولی از طرفی مشاهده کردیم که با افزایش میزان نویز، مقدار خطای ما نیز افزایش پیدا میکند و با کاهش آن مقدار ضرر ما کاهش پیدا میکند.

در آخر نیز بیان شده است که اگر مقدار اولیه مکان را متفاوت در نظر بگیریم، چه میشود، اگر ما بیاییم و صرفاً در قسمت سنسور این مقدار را تغییر دهیم، رویدادی که تجربه میکنیم این است که نمودار را کمی به سمت بالا یا پایین شیفต์ داده خواهد شد. بالا یا پایین بر اساس مقدار کاهش یا افزایش مکان یا سرعت.

بخش چهارم

ابتدا مانند پروژه قبل grand truth را مکان، سرعت و شتاب بدست می‌آوریم. مطمئناً، با توجه به اینکه موقعیت سر فتر متغیر حالت مورد نظر است، می‌توانیم از یک مدل انتقال حالت استفاده کنیم که رابطه بین موقعیت فعلی «x_t»، سرعت «v_t» و شتاب «a_t» را با موقعیت قبلی نشان می‌دهد.

$$\mathbf{x}_t = \mathbf{x}_{t-1} + \mathbf{v}_{t-1} * dt + 0.5 * \mathbf{a}_{t-1} * dt^2$$

$$\mathbf{v}_t = \mathbf{v}_{t-1} + \mathbf{a}_{t-1} * dt$$

$$\mathbf{a}_t = f(\mathbf{x}_t)$$

```
# Define the true position, velocity, and acceleration of the spring head
x_true = np.sin(time)
v_true = np.cos(time)
a_true = -k * x_true / m
```

$$\mathbf{a}_t = -k * \mathbf{x}_t$$

سپس مقادیر بالا را برحسب اینکه مکان را به صورت نویزی سنسور بدست آورد بدست می‌آوریم پس داریم:

```
z = x_true + np.random.normal(0, sensor_noise, size=T)
z_v = [0]
for i in range(len(z)-1):
    z_vel = (z[i+1] - z[i])/dt
    z_v.append(z_vel)

z_a = [0]
for i in range(len(z_v)-1):
    z_ace = (z_v[i+1] - z_v[i])/dt
    z_a.append(z_ace)
```

سپس از فیلتر kelman برای تخمین بهتر استفاده می‌کنیم.

```
# Initialize the Kalman filter
kf = KalmanFilter(
    initial_state_mean=[0, 0, 0],
    initial_state_covariance=np.eye(3),
    transition_matrices=[[1, dt, 0.5*dt**2],
                        [0, 1, dt],
                        [0, -k/m*dt, 1]],
    observation_matrices=[[1, 0, 0]],
    observation_covariance=sensor_noise**2,
    transition_covariance=np.diag([0, 0.1, 1])**2,
    em_vars=['transition_covariance', 'observation_covariance']
)

# Perform the Kalman filtering on the noisy sensor measurements
(filtered_state_means, filtered_state_covariances) = kf.filter(z)
```

در اینجا نیز داریم :

در این برنامه ، ابتدا پارامترهای سیستم شامل ثابت فنر، جرم، گام زمانی و تعداد مراحل زمانی را تعریف می کنیم. سپس موقعیت، سرعت و شتاب واقعی سرفنر را با فرض یک حرکت سینوسی تولید می کنیم و اندازه گیری سنسور نویز موقعیت را با اضافه کردن نویز گاوسی به موقعیت واقعی محاسبه می کنیم. سپس، فیلتر کالمن را با میانگین حالت اولیه «0، 0، 0» مقداردهی اولیه می کنیم، که موقعیت، سرعت و شتاب صفر و یک کوواریانس حالت اولیه ماتریس هویت را نشان می دهد. ماتریس های انتقال، ماتریس های مشاهده و کوواریانس ها را با استفاده از مدل انتقالی که قبلاً تعریف شد، مشخص می کنیم و به فیلتر کالمن اجازه می دهیم تا کوواریانس های انتقال و مشاهده را با استفاده از تخمین حداکثر احتمال تخمین بزند.

براساس فرمولیشن کشش فنر می دانیم که باید F به گونه زیر تعریف شود :

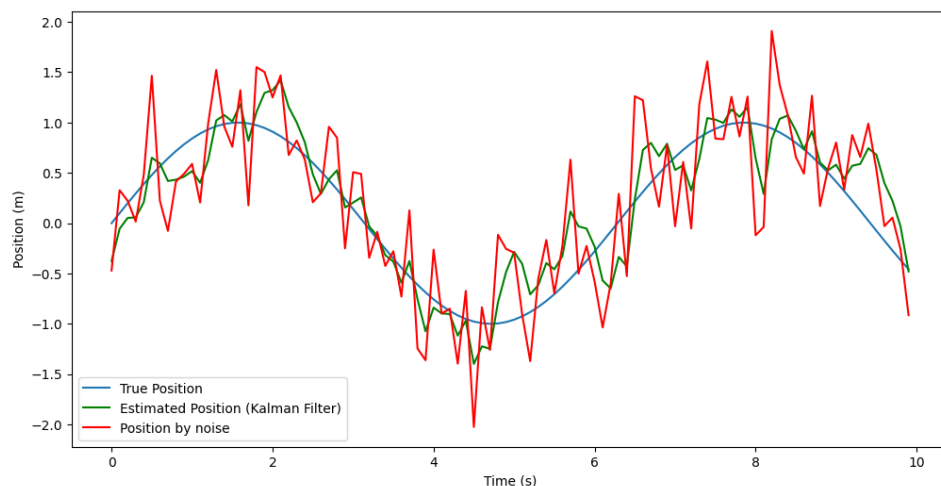
$$\mathbf{F} = \begin{bmatrix} 1 & \Delta t & .5\Delta t^2 \\ 0 & 1 & \Delta t \\ 0 & 0 & 1 \end{bmatrix}$$

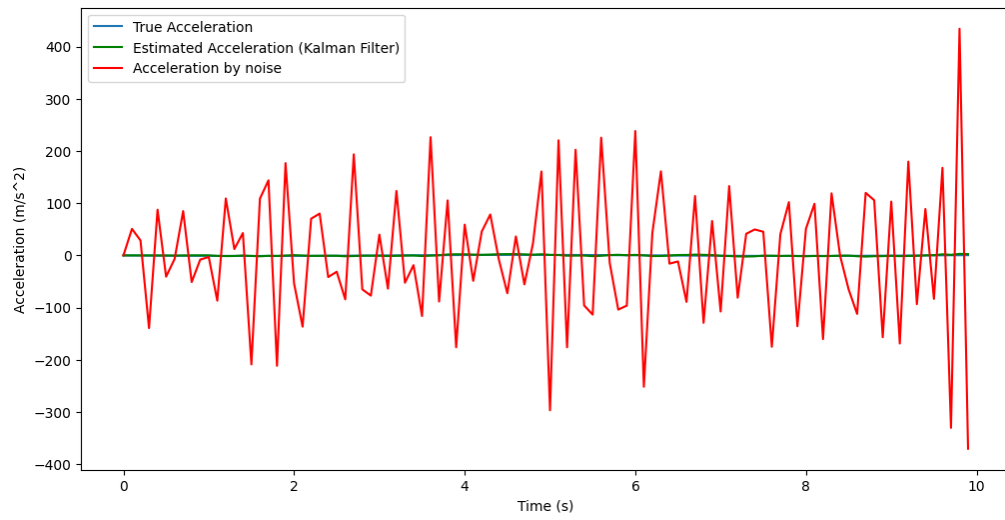
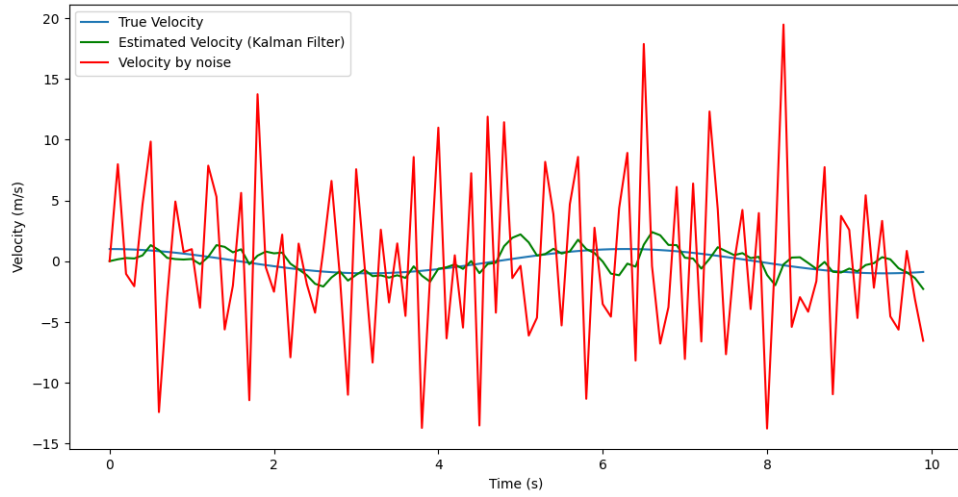
$$\mathbf{H} = [1 \quad 0 \quad 0]$$

$$\Sigma_t = \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 \\ 0 & 1 & 0 \\ 0 & 0 & 1 \end{bmatrix}$$

پس به شکل بالا تابع مورد نظر را مقدار دهی کردم .

در اندازه گیری های نویزی، موقعیت، سرعت و شتاب تخمینی را از حالت فیلتر شده استخراج می کنیم و نتایج را رسم می کنیم. نمودارهای به دست آمده نشان می دهد که فیلتر کالمن قادر است موقعیت واقعی، سرعت و شتاب سرفنر را علیرغم اندازه گیری های سنسور نویز ردیابی کند.





sd (انحراف معيار)	mse with filter	mse without filter
0.1	0.002	0.004
0.3	0.004	0.0048
0.6	0.05	0.12
0.9	0.22	0.38